



مقایسه نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی در ارتباط با عدالت آموزشی در اقلیت‌های قومی مذهبی

انور یداللهی^۱، محمدحسین زارعی^{۲*}، اسدالله یاور^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۶

صفحات ۳۳۱ تا ۳۵۷

چکیده

نظر به جایگاه آموزش در تعالی و پیشرفت جوامع، اسناد بین‌المللی و به تبعیت از آن نظام‌های حقوقی مختلف قواعدی را در راستای نیل به عدالت آموزشی تدوین نموده‌اند. با توجه به شرایط خاص اقلیت‌های مختلف و نیازهای خاص آموزشی آنها ممکن است عدالت آموزشی در خصوص این گروه‌ها به نحو مطلوب اعمال نشود. لذا در این خصوص نیاز به تدوین قوانین صریح و بدون ابهام است.

با بررسی‌های انجام شده مشخص است نظام حقوقی ایران همسو با اسناد بین‌المللی مقرراتی را در راستای اعمال عدالت آموزشی در مورد اقلیت‌ها وضع نموده است. این مقررات در سطح قانون اساسی و قوانین عادی قابل ملاحظه می‌باشد. در خصوص اقلیت‌های دینی میان اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی هماهنگی کامل وجود ندارد. نظام حقوقی ایران اعمال عدالت آموزشی را در خصوص تمامی اقلیت‌های دینی به رسمیت نشناخته است. این امر ریشه در داشته‌های دینی دارد. این رویکرد نظام حقوقی ایران با توجه به مفادی از اسناد بین‌المللی که به نوعی جواز این محدودیت را به دولت‌ها اعطا کرده‌اند قابل توجیه می‌باشد.

واژگان کلیدی: عدالت، آموزش، عدالت آموزشی، اقلیت‌های قومی، اقلیت‌های مذهبی، اسناد بین‌المللی، نظام حقوقی ایران.

* دانشجوی دکتری، حقوق عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول) zareimh62@gmail.com

*** استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران..

مقدمه

عدالت آموزشی، اصطلاحی ترکیبی از دو واژه‌ی عدالت و آموزش می‌باشد. تفاوت در نحوه‌ی تعریف و برداشت از این دو واژه^۲ موجب شده تا تفاوت‌ها و گاه تضادهایی در برداشت از مفهوم عدالت آموزشی به چشم بخورد. با وجود برداشت‌های متفاوت از مفهوم این واژه‌ی ترکیبی، نقطه‌ی مشترکی وجود دارد مبنی بر اینکه عدالت آموزشی یک شاخه از عدالت اجتماعی بوده که می‌باید در راستای تحقق آن تلاش نمود (توکلی، ۱۳۹۴، ۲۰). هرچند این بخش از عدالت، گاهی به معنای برابری تعریف گشته و گاه برابری، عین ظلم، در معنای متضاد عدالت، ترجمان می‌گردد ولی همه متفق‌اند که جنبه‌ی مهم عدالت آموزشی این است که هرگاه کودکی؛ فارغ از جنسیت، قومیت، ملیت، نژاد، وضعیت اقتصادی و...؛ به سن فراگیری رسید، این امکان در اختیار او قرار گرفته که در راستای به فعلیت رسیدن استعدادهای خود تحت آموزش قرار گیرد (توکلی، ۱۳۹۴، ۲۱، هاشم‌خانی و وکیل، ۱۳۹۴، ۱۶، زیبایی، ۱۳۹۴، ۹۱). حتی ترجمان عدالت آموزشی در مفهوم برابری نیز به معنای آموزش‌های یک‌نوع و برابر نبوده، بلکه فرصت‌های برابر در دسترسی به امکانات آموزشی می‌باشد (ر.ک. گروه مشاوران یونسکو، ۱۳۷۴، ۷۴).

^۲ جهت مشاهده‌ی معنی و دیدگاه دانشمندان مختلف نسبت به واژه عدالت، مراجعه کنید به: «معین، ۱۳۶۲، ۲۲۷۹ و ۲۲۸۲؛ راغب اصفهانی، ۱۳۹۲.ه.ش.، ۷۶۵؛ خسروی، ۱۳۸۷، ۷۶۷ و ۷۶۸؛ قریشی، ۱۳۸۴، ۳۰۱؛ نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷؛ صلیبا، ۱۳۶۶، ۴۶۱؛ عمید، ۱۳۸۹، ۹۳۶؛ مطهری، ۱۳۶۲، ۵۹-۶۴؛ مولوی بلخی، ۱۳۷۳، دفتر ششم، بیت ۲۵۹۶-۲۵۹۸؛ هاروی، ۱۳۷۶، ۱۰۹؛ ابن مسکویه، بی‌تا، ۳۷؛ نراقی، ۱۳۴۱.ه.ق.، ۵۲؛ راولز، ۱۳۷۶، ۸۲؛ مکتلین، ۱۳۸۱، ذیل واژه کمپل، ۱۹۹۰، ۱۲؛ افلاطون، ۱۳۶۸، ۲۳۳؛ مجتبیوی، ۱۳۶۲، ۴۶۶-۴۶۸؛ ارسطو، ۱۳۶۸، ۱۳۰-۱۳۵؛ گاتری، ۱۳۶۳، ۱۸۵-۱۹۱؛ کاپلسون، ۱۳۶۳، ۱۴۵؛ اشتراوس، ۱۳۷۳، ۲۰۴؛ غزالی، بی‌تا، ۴۷؛ صدر، ۱۴۱۷.ه.ق.، ۴۵-۴۶؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۲، ۲۴؛ مازلو، ۱۹۵۴، ۲۲» و جهت مشاهده‌ی معنی و دیدگاه دانشمندان نسبت به آموزش مراجعه کنید به: «معین، ۱۳۸۵، ۵۲؛ سیدجوادین، ۱۳۸۱، ۴۳۴؛ شکوهی، ۱۳۷۳، ۲۱؛ سیف، ۱۳۸۷، ۲۷ و ۲۸؛ دهخدا، ۱۳۳۴، ذیل واژه؛ آویبوری، ۱۳۶۹، ۱۰۷؛ هاشمی، ۱۳۸۶، ۵؛ جاروس، ۱۳۸۱، ۳۵؛ یونسکو، ۱۳۸۲، ۱۲۱؛ فومنی گلشن، ۱۳۸۰، ۶۰؛ فیلیپ جی اسمیت، ۱۳۷۷، ۵۱؛ پورظهير، ۱۳۷۶، ۱۴؛ درویش، ۱۳۸۶، ۱۶۲؛ شارع‌پور، ۱۳۸۳، ۱۱؛ علاقه‌بند، ۱۳۸۰، ۲۴؛ مؤلفان حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰، جلد ۱، ۱۳۴-۲۱۳؛ فارابی، ۱۳۶۱، ۲۷۲؛ شکوهی، ۱۳۶۸، ۲۱؛ نقیب‌زاده، ۱۳۷۴،

از توجه به مفاهیم بیان شده می‌توان نتیجه گرفت که عدالت چیزی فراتر از مساوات است. در اصل تفاوت و گاه تضاد در مفاهیم مساوات و عدالت، بدین معنی نیست که عدالت فروتر از مساوات بوده، بلکه نشان دهنده‌ی این است که عدالت مفهومی فراتر از مساوات دارد. این مطلب مخصوصاً در راستای عدالت آموزشی اقلیت‌ها، و به طور اخص اقلیت‌های مذهبی، مطرح می‌باشد. همین موضوع سبب شده تا عدالت آموزشی در اقلیت‌های قومی مذهبی، که یکی از جنبه‌های عدالت آموزشی است، به عنوان یکی از مهمترین و چالش‌برانگیزترین زمینه‌های عدالت آموزشی شناخته شود.

اقلیت‌ها گروه‌های هستند که از نظر عددی کمتر از بقیه‌ی جمعیت کشور بوده و در موقعیت غیرحاکم قرار دارند (عزیزی، ۱۳۸۵، ۷۸)؛ و از نظر حقوقی با ویژگی‌هایی چون ویژگی‌های زبانی، قومی، دینی و مذهبی همراه هستند که با اکثریت افراد جامعه همسان نیست؛ و این ویژگی موجب می‌گردد تا در شرایطی حاشیه‌ای و در موقعیتی ناشی از فرودستی کمیتی و در عین حال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به سر ببرند. با توجه به اینکه سرمایه‌های انسانی اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین سرمایه به حساب می‌آید (ابراهیمی قوام، ۱۳۸۹)؛ و بخش مهمی از مدیریت سرمایه‌های انسانی در آموزش آنها متمرکز است (رضوی، ۱۳۸۹)، می‌توان گفت آموزش یکی از ارکان شکوفایی و پیشرفت یک گروه است (صمدی، ۱۳۹۱). به همین سبب است که آموزش را می‌توان به عنوان مهمترین راه در راستای حمایت از حقوق اقلیت‌های مختلف دانست. در حقیقت، تحقق عدالت آموزشی موجب برون رفت اقلیت‌ها از چالش‌های موجود می‌باشد.

آموزش گروه‌های اقلیت، هم‌زمان ابزاری برای ادغام اقلیت در جامعه و در عین حال حفظ هویت متمایز آنهاست. اینکه دو کارکرد هماهنگ یا در تضاد با یکدیگرند به اهدافی بستگی دارد که سیاست فرهنگی در پی آن است (کسیک کامپس، ۱۹۹۱، ۳۰۵). به نظر می‌رسد سیاست‌هایی که در راستای انحلال اقلیت‌ها به کار می‌رود در دو جهت متضاد عمل می‌کنند. یک جهت مربوط به دریغ آموزش از اقلیت‌ها می‌باشد. در این روش، با توجه به نقش آموزش در ارتقای زندگی، اقلیت‌ها خود به خود حذف می‌گردند. با وجود تأکیدات قانونی بر عدالت آموزشی و رعایت حقوق اقلیت‌های قومی و دینی، ولی نابرابری آموزشی در بین اقلیت‌های مختلف دیده می‌شود. برخی از داده‌های استان‌های مختلف عدم توجه به عدالت آموزشی را نشان می‌دهد (طالب و

۳۳۴..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

گودرزی، ۱۳۸۲؛ همچنین عدم تحقق این مهم در گروه مهاجران و اتباع افغانی به چشم می‌خورد (واعظ مهدوی، ۱۳۹۴، ۵۶).

روش دیگر برای حذف اقلیت‌های مختلف، ترجمان عدالت آموزشی به مساوات آموزشی می‌باشد. در این روش، برای اقوام و مذاهب مختلف، آموزش‌های یکسانی تهیه می‌گردد. در این روش که به عنوان نظریه‌ی کوره‌ی مذاب شناخته می‌گردد، همگون‌سازی فرهنگ‌های اقلیت و دگرگون کردن آنها از طریق برقراری پیوند بین آنها و آموزش در راستای این پیوند صورت می‌پذیرد (کسیک کامپس، ۱۹۹۱، ۳۰۶-۳۱۸). همین موضوع در مورد کودکان دوزبانه در کشور ما مشاهده می‌گردد. عدم توجه به ویژگی‌های دوزبانگی در برخی اقلیت‌ها موجب عدم پیشرفت و کنارگذاشتن آنها و یا رها کردن زبان مادری می‌گردد (ر.ک. درخشانی، ۱۳۹۴، ۱۶۹-۱۷۲).

نظام حقوقی ایران، در راستای حمایت از حقوق اقلیت‌های مختلف، قوانینی وضع کرده است. برخی از مواد قانونی در راستای آموزش اقلیت‌ها و حمایت از عدالت آموزشی در اقلیت‌های قومی مذهبی می‌باشد. اسناد بین‌المللی نیز به نوبه‌ی خود در این راستا کوشیده‌اند. در این اسناد، مواردی از حمایت از آموزش و عدالت آموزشی در اقلیت‌ها مشاهده می‌گردد. در این پژوهش، قصد بر این است که موارد حمایت نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی در راستای عدالت آموزشی اقلیت‌ها مشخص گشته و با هم مورد مقایسه قرار گیرند.

الف: مفهوم اقلیت و مصادیق عمده‌ی آن

در ظاهر مفهوم اقلیت مفهومی روشن و بدون ابهام بوده و بر بخشی از جمعیت یک کشور که به لحاظ دارا بودن ویژگی یا ویژگی‌های خاص، به لحاظ عددی کمتر از سایرین می‌باشند دلالت می‌نماید. منتها موضوع به همین سادگی نیست. از منظر قواعد بین‌المللی اقلیت یکی از مفاهیم مبهم و بحث‌برانگیز می‌باشد. به نظر برخی از محققان، امروزه مفهوم اقلیت، مفهومی شمارشی نبوده و ممکن است گروهی با وجود داشتن شمارش عددی بیشتر، به علت حاکمیت گروهی دیگر، از حقوق و فرصت‌های اجتماعی خویش محروم شده و در اقلیت قرار گرفته باشند (سانگ، ۲۰۰۷، ۳ و عزیز، ۱۳۸۵، ۵۳). مشکل دیگر چنین برداشتی از مفهوم اقلیت این است که این برداشت شامل گروه‌های مهاجر و پناهندگان نمی‌گردد (حبیب‌زاده و هوشیار، ۱۳۹۳، ۶۲-۶۳).

در کنار ابهاماتی که در مفهوم اقلیت وجود دارد، در مورد خصوصیات شخصی که می‌تواند مبانی تمیز اقلیت‌ها از سایرین قرار گیرد نیز اختلافات و ابهاماتی وجود دارد.

مقایسه‌ی نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی در ارتباط با عدالت آموزشی در اقلیت‌های ۳۳۵

فارغ از ورود به این اختلافات، به طور کلی می‌توان گفت خصوصیات شخصی که موجب می‌گردد تا اقلیت‌ها از سایر اعضای جامعه متمایز گردند در دو دسته قابل بررسی می‌باشند؛ یکی خصوصیات مربوط به دین و مذهب و دیگری خصوصیات مربوط به قوم و نژاد (ر.ک. عزیزی، ۱۳۸۵، ۷۸-۷۹، ژرژ، ۱۳۷۴، ۵-۷، شوتارژ، ۱۳۷۶، ۲۱۰-۲۱۲). بر این اساس می‌توان دو گروه عمده از اقلیت‌ها را به صورت اقلیت‌های دینی و اقلیت‌های قومی، مورد شناسایی قرار داد.

- *اقلیت‌های دینی*: دین در لغت به معنای جزا، عادت، طاعت، قهر و غلبه و هرچه که با آن قرب به خداوند حاصل می‌شود می‌آید (فیروزآبادی، ۱۴۱۲، جلد ۴، ۳۲۰) و در اصطلاح، مجموعه احکام و دستورهای است که خداوند برای رستگاری جامعه بشری بر رسولان و پیامبران نازل کرده و اطاعت از این دستورها را بر همگان لازم دانسته و برای آن پاداش اخروی منظور داشته است (فاضل میبدی، ۱۳۷۵، ۱۴). در تعریفی دیگر دین مجموعه‌ی عقاید موروث مقبول درباره روابط انسان با مبدأ وجود و التزام بر سلوک و رفتار بر مقتضای آن عقاید دانسته شده است (دهخدا، ۱۳۷۲، جلد ۷، ۱۰۰۴۲). برخی معتقدند دین اقرار به زبان و عمل به ارکان و اعتقاد به پاداش و کیفر در جهان است (مشکور، ۱۳۷۲، ۵).

با الهام از مفهوم دین، می‌توان اقلیت‌های دینی را این‌چنین تعریف کرد: اهل کتاب ساکن در جامعه اسلامی که از احترام، امتیازات و حقوقی بهره‌مندند (شریعتی، ۱۳۸۶، ۲۰). به منظور شناسایی اهل کتاب - به عنوان اقلیت‌های مورد شناسایی در ایران - اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی را تنها اقلیت‌های دینی شناخته شده مورد شناسایی قرار داده است. این گروه از اقلیت‌های دینی در حدود قانون در اجرای مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی، بر طبق آیین خود عمل می‌کنند. مشخص است این رویکرد، می‌تواند یکی از موجبات عدم رعایت حقوق برخی از اقلیت‌ها باشد.

- *اقلیت‌های قومی*: واژه‌ی قوم معنای ثابتی نداشته است و همراه با تحولات دگرگون شده است. این واژه که برگرفته از واژه‌ی یونانی اتنوس و اتنیکوس می‌باشد، ابتدا به معنای کافر و بی‌دین بوده (هاتچینسون و اسمیت، ۱۹۹۶، ۳-۱۵) و حتی در فرهنگ انگلیسی آکسفورد در اواخر قرن گذشته، برای واژه‌ی قوم معنای کفر یا موهومات کفرآمیز را آورده است (احمدی، ۱۳۷۸، ۳۰). در این تعریف، تفاوتی بین اقلیت‌های دینی و اقلیت‌های قومی مشاهده نمی‌گردد؛ ولی این معنا به تدریج جای

۳۳۶..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

خود را به معنای مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی داد، به طوری که در فرهنگ وبستر دو معنا برای واژه‌ی قوم ارائه شده یکی به معنای غیرمسیحیان و غیرکلیمیان مانند کفار و بت‌پرستانی که مخالف یهودیت و مسیحیت‌اند و معنای دیگر ناظر به ویژگی‌های جسمی و ذهنی نژادها یا مربوط به تمییز دادن گروه‌های نژادی بر اساس رسوم و ویژگی مشترک دانسته شده است (احمدی، ۱۳۷۸، ۳۰).

امروزه نیز قومیت به انحاء مختلف فهم می‌شود و حتی از واژه‌ی نژاد متمایز شده است (گولبورن، ۲۰۰۱، ۴). می‌توان گفت قومیت کاربرد گسترده‌ای یافته و برای نامیدن گروه‌های متمایز فرهنگی، اجتماعی و سیاسی استفاده شده و حتی مهاجران به کشور دیگر را نیز دربر می‌گیرد. در برداشت اخیر گروه قومی برای طبقه‌بندی اقلیت و افراد پایین‌دست استفاده می‌شود درحالی‌که گروه‌های اکثریت هیچ‌گاه خود را گروهی قومی نمی‌انگارند (گیبیرنا و رکس، ۱۹۹۷، ۴). در این صورت متمایز کردن اقلیت دینی از اقلیت قومی، ضروری نیست. با این وجود در این پژوهش به سبب بررسی دقیق‌تر موضوع، اقلیت قومی، به معنای گروه‌های اقلیت از هر نظر، به جز موارد مربوط به دین و مذهب، به کار گرفته خواهد شد.

ب: بررسی جنبه‌های عدالت آموزشی در ارتباط با اقلیت‌ها

شکی وجود ندارد که امروزه رشد و توسعه‌ی جوامع در گرو تقویت نظام آموزش و پرورش حاکم بر آنها می‌باشد. در حال حاضر به نظر می‌رسد اکثر جوامع از بدیهیات حاکم بر نظام آموزشی، مثل حق بر آموزش برای ملت و تکلیف بر ارائه‌ی رایگان آن برای دولت‌ها گذر کرده و به نظارت بر کیفیت آموزش و پرورش نایل آمده‌اند. در راستای اعمال بدیهیات حاکم بر نظام آموزشی، دولت‌ها مکلف هستند تا امکانات آموزش و پرورش را برای همه‌ی اقشار جامعه، بدون توجه به جنسیت، قومیت، مذهب، سطح اقتصاد و... ایجاد نمایند. اما همان‌طور که ذکر شد این مقدار از تکلیف برای نیل به عدالت آموزشی کافی نیست.

مفهوم عدالت آموزشی به طور ضمنی در بر دارنده‌ی تکلیف دولت‌ها در ارائه‌ی آموزش با کیفیت، بدون در نظر گرفتن گروه‌های قومی - مذهبی است. با این وجود متأسفانه معمولاً در عمل، نابرابری‌های طبقاتی، مذهبی، نژادی و ... کیفیت ارائه‌ی آموزش را تحت تأثیر قرار می‌دهد (راجرز، ۱۹۹۰). محرومیت از تحصیل و یا کیفیت آموزشی پایین، به دلیل نژاد و مذهب در تحقیقات مختلف و در کشورهای مختلفی، به اثبات رسیده است (ژان توما، ۱۹۹۰). برخی از اندیشمندان در این راستا ابعاد برابری

مقایسه‌ی نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی در ارتباط با عدالت آموزشی در اقلیت‌های ۳۳۷

فرصت‌های آموزشی را مورد بررسی قرار داده‌اند. این ابعاد عبارتند از: طبقات اجتماعی مختلف، جنسیت، مناطق شهری و روستایی، اقوام و نژادهای جامعه (جانسون، ۱۹۹۹). همانطور که در این تقسیم‌بندی مشاهده می‌گردد یکی از حوزه‌های مهمی که در عدالت آموزشی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، اقلیت‌ها می‌باشند.

عدالت آموزشی در اقلیت‌های قومی و مذهبی، دو جهت دارد؛ جهت اول عدم محرومیت از آموزش با کیفیت در این گروه‌ها، به علت اینکه از لحاظ دینی، نژادی و... در اقلیت هستند و جهت دوم، توجه به نیازهای آموزشی ویژه اقلیت‌ها. بی‌توجهی به ارائه‌ی آموزش با کیفیت در اقلیت‌ها یکی از مصادیق بارز بی‌عدالتی آموزشی می‌باشد. این موضوع در اکثر کشورها، من جمله کشورمان ایران مشاهده می‌گردد. تحقیقات به عمل آمده در این خصوص حکایت از عدم تأمین آموزش عمومی جهت مهاجرین افغانی (واعظ مهدوی، ۱۳۹۴، ۵۶)، عدم توجه به آموزش و پرورش اقلیت‌های قومی و دینی، مخصوصاً در مناطق اهل تسنن (طالب و گودرزی، ۱۳۸۲)، عدم توجه به طور عام و عدم توجه به آموزش به طور خاص در اقلیت‌های عرب اهوازی و بلوچ و کرد (اجلاس ۶۷ مجمع عمومی سازمان ملل، ۲۰۱۲، ۷) دارد.

نوعی دیگر از بی‌عدالتی آموزشی، عدم توجه به نیازهای آموزشی خاص اقلیت‌ها می‌باشد. یکی از نیازهای آموزشی ویژه اقلیت‌ها، تعلیمات دینی خود آنها می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۱، ۳۴۰). این موضوع مربوط به اقلیت‌های دینی است. اقلیت‌های دینی نباید مجبور به آموزش دینی گروه اکثریت شوند و از طرفی باید بتوانند آزادانه، به آموزش تعلیم دینی خود بپردازند.

در موردی مشابه در خصوص اقلیت‌های قومی بحث زبان این قسم از اقلیت‌ها قابل طرح می‌باشد. معمولاً اقلیت‌های قومی، زبانی متفاوت با اکثریت دارند و این موضوع مسأله دو زبانی را در آموزش مطرح می‌نماید. یکی از مشکلات کودکان دوزبانه عدم درک صحیح جملات است. عده‌ی زیادی از این کودکان در قسمت حل مسأله مشکل ندارند، اما قادر به درک صورت مسأله و چیزی که از آنها می‌خواهد، نیستند (درخشانی، ۱۳۹۴، ۱۷۰). علاوه بر این موضوع که سبب عقب‌افتادگی این کودکان از سایرین، صرفاً به علت زبان متفاوت، می‌گردد، اقوام حق دارند که زبان خود و زیبایی‌های آن را بیاموزند. این گروه همچنین باید زبان اکثریت را به درستی بیاموزند تا بتوانند با آنها تعاملات مناسبی برقرار نمایند. از آنجایی که زبان اکثریت، زبان مادری آنها نیست، می‌باید برنامه‌های خاصی در راستای آموزش زبان اکثریت، برای آنها تدارک

۳۳۸..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

دیده شود. برخی از این برنامه‌ها می‌توانند توجه بیشتر به آموزش پیش‌دبستانی و ارائه‌ی آموزش‌های خاص در رسانه‌ها، مخصوصاً صدا و سیما، باشد. در واقع اقلیت‌ها قومی باید برنامه‌های آموزشی بیشتر و غنی‌تری داشته باشند، حال آنکه گاهی حتی از آموزش برابر با اکثریت نیز محروم می‌گردند.

در کنار مسائل مطروح در فوق مسائل دیگری که برآمده از فرهنگ متفاوت هستند وجود دارد که هرچند اهمیت موارد مذکور را ندارند ولی می‌بایست در جای خود مورد توجه قرار گیرند. از جمله این موارد می‌توان به تعطیلی مدارس در روزهای تعطیل اقلیت‌ها مانند تعطیلی خاص کلیمیان در روزهای شنبه؛ حق تأسیس مدارس غیرانتفاعی؛ حق ورود به دانشگاه؛ حق تأسیس آموزشگاه؛ حق تأسیس مراکز فرهنگی؛ حق انتخاب دروس معارف (ابراهیمیان، ۱۳۹۱) و مسائل دیگری از این دست اشاره کرد. عدم توجه ویژه به این موارد نیز می‌تواند عدالت آموزشی در خصوص اقلیت‌ها را مخدوش نماید.

ج: رویکرد اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران در رابطه با عدالت آموزشی در

اقلیت‌ها

اجرای صحیح عدالت آموزشی در خصوص اقلیت‌ها یکی از دغدغه‌های جدی اسناد بین‌المللی می‌باشد. نظم حقوقی کشورهای مختلف من جمله کشور ایران نیز موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند.

۱- رویکرد اسناد بین‌المللی

نظام بین‌المللی حمایت از حقوق اقلیت‌ها به قبل از تشکیل سازمان ملل متحد باز می‌گردد. زمان جامعه ملل، پس از جنگ جهانی اول یک نظام بین‌المللی حمایت از اقلیت‌ها به وجود آمده بود. بدین صورت که در معاهداتی که بین دولت‌ها بسته می‌شد مقرر می‌گردید دولت‌هایی که در آنها اقلیت‌هایی وجود دارند، نسبت به آنها تبعیض روا ندارند و حق استفاده از زبان و مذهب خود را به آنها بدهند. اما به لحاظ آنکه این معاهدات خواسته‌ی قومیت‌ها و اقلیت‌ها و همچنین رضایت دولت‌ها را جلب نمی‌نمود دوام چندانی نیافت (Laponce, ۱۹۸۷, ۴۴). پس از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل، اسناد مختلف به نحو عام و یا به صورت خاص مسئله رعایت حقوق اقلیت‌ها را مورد توجه قرار دادند (Thornberry, ۲۰۰۱, ۵۶)؛ اگرچه در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، نامی از اقلیت برده نشده، ولی بر تساوی همه افراد بشری و برخورداری آنان از حقوق و آزادی‌های اساسی بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب تصریح شده است (مقدمه و مواد ۱۳، ۵۵ و ۷۶ منشور ملل متحد

مقایسه‌ی نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی در ارتباط با عدالت آموزشی در اقلیت‌های ۳۳۹

و ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر). همین عنوان عام و کلی در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد آمده است (ماده ۲ هر دو میثاق). در همین راستا، به کنوانسیون حقوق کودک نیز می‌توان اشاره کرد که در آن هم، به رفع تبعیض از هر حیث اشاره شده است (ماده ۲).

می‌توان گفت موضوع حقوق اقلیت‌ها به‌طور شفاف و عملی از طریق سازمان ملل، از دهه ۶۰ میلادی دنبال شد و تأمین حقوق آنها به صورت ویژه‌ای مورد توجه قرار گرفت. برخی از اسناد بین‌المللی نیز به‌طور مشخص و ویژه به حقوق اقلیت‌ها اختصاص دارد که از آن جمله می‌توان اسناد زیر را برشمرد:

کنوانسیون محو هرگونه تبعیض نژادی مصوب سال ۱۹۶۵ مجمع عمومی، کنوانسیون منع و مجازات ژنوسال (۱۹۴۸)، کنوانسیون ضد تبعیض در تعلیم و تربیت (یونسکو، ۱۹۶۰)، مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ در مورد تبعیض در استخدام و اشتغال (مصوب سازمان بین‌المللی کار ۱۹۵۸)، اعلامیه محو هر نوع نابرابری و تبعیض بر اساس مذهب (مصوب سال ۱۹۸۱ مجمع عمومی) و اعلامیه مربوط به حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، نژادی، مذهبی و زبانی مصوب سال ۱۹۹۲ مجمع عمومی. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی علاوه بر مقررات کلی مربوط به رعایت حقوق همه افراد بدون تبعیض از لحاظ نژاد، زبان و مذهب و مخصوصاً مواد ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۱۹، ۱۸ در ماده ۲۷ مشخصاً از اقلیت‌های نژادی، مذهبی، و زبانی نام برده و حق برخورداری آنان را از فرهنگ و دین خاص خود به رسمیت شناخته است. در اسناد متعدد بین‌المللی، علاوه بر توجه و تأکید اعلامیه جهانی حقوق بشر (بند ۱ ماده ۲) و دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۲) و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۲) نسبت به برخورداری همگان، بدون هرگونه تمایز قومی از کلیه حقوق در کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادی به تبیین این اصل پرداخته است (هاشمی، ۱۳۹۰، ۳۸۳). مسلماً سیر کلی حمایت از حقوق اقلیت‌ها در شکل‌گیری اسناد بین‌المللی نیز مؤثر واقع شده است.

اسناد بین‌المللی حقوقی را جهت اقلیت‌ها شناسایی کرده و به حمایت از آنها پرداخته‌اند. برخی از این حقوق، در تمام اقلیت‌ها مشترک بوده و برخی دیگر مربوط به گروه خاصی از اقلیت‌ها می‌باشند. حقوق عام اقلیت‌ها عبارتند از: حق برابری با

۳۴۰..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

اکثریت،^۳ حق یکسان شدن داوطلبانه با اکثریت،^۴ حق داشتن برنامه‌های صدا و سیما به زبان خود و بر اساس ویژگی‌های خود،^۵ حق برخورداری از محیط زیست سالم،^۶ حق مشارکت در اداره محل زندگی،^۷ حق ارتباط با اقلیت‌های دیگر.^۸

در کنار حقوق عام، حقوقی وجود دارد که مختص اقلیت‌ها می‌باشد. این حقوق در اقلیت‌های دینی عبارتند از: ایجاد یا حفظ نظام‌ها یا مؤسسات آموزشی جداگانه، برای مقاصد دینی یا زبانی، که آموزش و پرورشی ارائه دهند که با آمال و آرزوهای والدین یا اولیای قانونی دانش‌آموزان هماهنگ باشد، آموزش دینی و اخلاقی کودکان، متناسب با اعتقادات آنان، عدم اجبار به دریافت آموزش دینی مغایر با اعتقادات خود، آزادی برقراری مراسم مذهبی، آزادی در ساخت اماکن مذهبی، حق برخورداری از تعطیلات در ایام استراحت و بزرگداشت تعطیلات و مراسم بر اساس احکام دین یا عقیده انسان، حق نوشتن و انتشار و پخش نشریات مربوطه در زمینه‌های دینی، حق تعلیم دادن مذهب یا عقیده در اماکن مناسب (زارعی و زینی‌وند، ۱۳۹۲).

گروهی دیگر از اقلیت‌ها که دارای حق خاص می‌باشند، اقلیت‌های زبانی هستند. تا قبل از قرن بیستم، این گروه به عنوان یک اقلیت شناخته نمی‌شدند تا نیاز به حمایت از آنها وجود داشته باشد؛ ولی با توجه به اجباری شدن تحصیلات و خدمت سربازی، نیاز شد تا در کشور یک زبان رسمی گسترش یابد و بدین شکل، اقلیت‌های زبانی نیز، نیازمند حمایت شدند (ویتنز، ۲۰۰۱، ۶). حقوق خاص اقلیت‌های زبانی که در اسناد

^۳ این حق در منشور ملل متحد، بند ۳ ماده ۱ و بند ج ماده ۵۵؛ میثاق حقوق مدنی سیاسی ماده ۲۷؛ کنوانسیون ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار، بند ۲ ماده ۲؛ مقدمه اعلامیه دسامبر ۱۹۹۲؛ کنوانسیون اروپایی حمایت از اقلیت‌های ملی ۱۹۹۵، ماده ۴؛ کنفرانس جهانی مبارزه با نژادپرستی و.. سال ۲۰۰۱، ماده ۳؛ مورد تأکید قرار گرفته است.

^۴ ماده ۱۰ پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی حمایت از گروه‌ها و اقلیت‌های نژادی و ملی

^۵ پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی حمایت از گروه‌ها و اقلیت‌های نژادی و ملی، ماده ۱۸؛ کنوانسیون اروپایی حمایت از اقلیت‌های ملی، ماده ۹.

^۶ کنوانسیون مربوط به حقوق افراد متعلق به گروه‌های بومی و قبیله‌ای، بند ۴ ماده ۱۷؛ کنفرانس دوربان ۲۰۰۱، ماده ۱۱۲.

^۷ کنوانسیون ۱۹۸۹، بند ۳ ماده ۳۳ و بند ۱ ماده ۶؛ پیشنهادنامه لاهه، ماده ۶؛ پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی حمایت از گروه‌ها و اقلیت‌های نژادی و ملی ۱۹۸۸، ماده ۲۰.

^۸ کنوانسیون ۱۹۸۹، ماده ۳۲؛ اعلامیه ۱۹۹۲ مجمع عمومی، بند ۲ ماده ۵؛ کنوانسیون اروپایی حمایت از اقلیت‌های ملی، ماده ۱۷.

مقایسه‌ی نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی در ارتباط با عدالت آموزشی در اقلیت‌های ۳۴۱

بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته‌اند، عبارتند از: تحصیل به زبان مادری (ماده ۱ پیشنهادنامه لاهه در مورد حقوق تحصیل اقلیت‌های ملی)، آموزش ابتدایی توسط معلمان دوزبانه (ماده ۱۲ همان پیشنهادنامه)، امکان تأسیس مؤسسات آموزشی زبان اقلیتی (ماده ۴ پیشنهادنامه)، تشویق مردم اکثریت به یادگیری زبان اقلیت (ماده ۱۹ پیشنهادنامه)، حق کاربرد زبان اقلیتی در محافل عمومی و اختصاصی (ماده ۳ پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی برای حمایت از اقلیت‌ها و گروه‌های ملی و نژادی)، حق کاربرد در زبان مادری در برابر مقامات اداری و قضایی (ماده ۲۰ پیش‌نویس مذکور و ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) و حق اعلام شدن زبان اقلیت‌ها به عنوان زبان رسمی در مناطقی که درصد این اقلیت‌ها بالاست (ماده ۲۰ پیش‌نویس مذکور).

اقلیت‌های ملی^۹ از جمله گروه‌های دیگری هستند که حقوق خاصی برای آنها در نظر گرفته شده است. آزادی اجتماعات و سندیکایی (ماده ۷)، حق مؤسسه فرهنگی (ماده ۵)، عدم حق دولت‌ها در تغییر نسبت جمعیت در مناطق اقلیت‌نشین (ماده ۱۶) و حق داشتن ارتباط با سایر افرادی که در آن سوی مرزها زندگی می‌کنند و با اینان مشترکات ملی، قومی و نژادی دارند (ماده ۱۷)، از جمله حقوق در نظر گرفته شده برای این اقلیت‌ها در کنوانسیون اروپایی حمایت از اقلیت‌های ملی ۱۹۹۵ می‌باشد (عزیزی، ۱۳۸۵، ۹۸ - ۱۰۱).

اقلیت‌های نژادی، گروهی دیگر هستند که برای آنها حقوق خاصی معین شده است. حق حفظ فرهنگ و ویژگی‌های سنتی خود و تکلیف دولت‌ها در جهت حفظ فرهنگ و سنن اینان (ماده ۳۱ کنوانسیون مربوط به افراد متعلق به گروه‌های بومی و قبیله‌ای، ۱۹۸۹) و تحریک دولت‌ها بدین جهت که اقلیت‌های نژادی نسبت به تاریخ و فرهنگ خود دانش بهتری داشته باشند (ماده ۵ کنوانسیون ۲۰۰۱ دوربان) دو حق خاص اقلیت‌های نژادی است که در اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است.

هرچند حقوق مطرح شده، همگی به نوعی به آموزش نیز برمی‌گردد و موجبات تحقق عدالت آموزشی در اقلیت‌ها را فراهم می‌نماید ولی اهمیت آموزش، خصوصاً در اقلیت‌ها به اندازه‌ای است که می‌بایست به طور خاص مورد توجه قرار گیرد. به همین منظور سازمان امنیت و همکاری اروپا در جولای ۱۹۹۲، کمیسیونی را برای مسائل

^۹ اقلیت‌های ملی به افرادی گفته می‌شود که در عین اینکه تابعیت کشور محل سکونت خود را دارا هستند، دارای ریشه‌های ملی مشترکی با کشور دیگری می‌باشند.

۳۴۲..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

اقلیت‌های ملی تشکیل داد و اولین بحثی که این کمیسیون به آن پرداخت، تحصیلات اقلیت‌های ملی بود. این کمیسیون یک پیشنهادنامه ۲۱ ماده‌ای تنظیم کرده است که آن را به سازمان امنیت و همکاری اروپا تحویل داده است. در ماده ۱۹ این پیشنهادنامه آمده است که مقامات آموزشی دولت‌ها مکلفند برنامه‌های آموزشی اقلیت‌ها را طوری برنامه‌ریزی کنند که آموزش تاریخ، فرهنگ، سنت‌های اقلیت‌های ملی را دربر داشته باشد. در ماده ۵ نیز آمده است که دولت‌ها باید زمینه همکاری نمایندگان گروه‌های اقلیت‌های ملی را در زمینه برنامه‌های تحصیلی اقلیت‌ها فراهم نمایند (لسانی، ۱۳۸۲). ماده ۱۲۳ کنوانسیون دوربان (۲۰۰۱) بیان می‌دارد که دولت‌ها باید هرگونه تبعیض بر اساس رنگ، نژاد و ملیت را در تمام سطوح تحصیلی اعم از تحصیلات رسمی و غیررسمی ممنوع کنند و تضمین نمایند که تمام کودکان به تحصیل با کیفیت عالی دسترسی داشته باشند. در این ماده رفع تبعیض آموزشی را به‌طور کلی بیان نموده است؛ همچنین در راستای تحقق عدالت آموزشی موارد دیگر در اسناد بین‌المللی وجود دارد:

- تعریف تبعیض آموزشی از مسائل مهمی است که در ماده ۱ کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش و پرورش،^۱ به آن پرداخته است.

- آموزش به زبان مادری یکی از جنبه‌های تحقق عدالت آموزشی در اقلیت‌ها می‌باشد. این مهم در اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و

^۱ ماده ۱: واژه تبعیض در این کنوانسیون شامل هرگونه تمیز و تفاوت‌گذاری، محروم‌سازی، ایجاد محدودیت، یا رجحان قائل شدن بر اساس نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، دین، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، منشأ ملی یا اجتماعی، شرایط اقتصادی یا ناشی از ولادت است که هدف یا تأثیر آن از بین بردن یا تضعیف برابری رفتار در زمینه آموزش و پرورش و به ویژه زمینه‌های زیر باشد:

الف- محروم کردن هر فرد یا گروه از افراد از دسترسی به هر نوع یا سطح از آموزش و پرورش؛

ب- محدود کردن هر فرد یا گروه از افراد به آموزش و پرورش با استاندارد و معیار پست‌تر؛

ج- بر اساس موضوع مفاد ماده ۲ این کنوانسیون، ایجاد یا حفظ نظام‌ها یا نهادهای آموزشی جداگانه برای اشخاص یا گروه‌های یا اشخاص؛

د- تحمیل شرایطی که با شرافت و شئون انسان ناسازگار باشد به هر شخص یا گروه اشخاص.

مقایسه‌ی نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی در ارتباط با عدالت آموزشی در اقلیت‌های ۳۴۳

زبانی؛ مصوب مجمع عمومی در قطعنامه ۴۷/۱۳۵ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ مورد توجه قرار گرفته است.^{۱۱}

- آگاهی از تاریخ، سنت‌ها و فرهنگ اقلیت‌ها از موارد دیگر عدالت آموزشی است که در اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی^{۱۲} مورد توجه قرار گرفته است.

- آموزش‌های دینی و زبانی اقلیت‌ها از مواردی دیگر عدالت آموزشی است که در ماده ۲ کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش و پرورش به آن اشاره شده است.^{۱۳} تفاوت این موضوع با آموزش به زبان مادری در این است که در آموزش به زبان مادری، مطالب درسی با زبان مادری تدریس می‌شوند ولی در مورد اخیر، نکات و قواعد زبان مادری نیز آموزش داده می‌شوند. البته نکته‌ای در این ماده وجود دارد که ممکن است سبب بی استفاده شدن این ماده شود. در قسمت آخر ماده، چنین آموزشهایی را در صورتی مجاز شمرده که متناسب با معیارهای مشخص شده توسط مسئولان صالح، باشند.

- محق شمردن اقلیت‌ها در انجام آموزش و آزادی در ایجاد مراکز آموزشی از جنبه‌های دیگر عدالت آموزشی می‌باشد (زارعی و زینی‌وند، ۱۳۹۲). این مهم به شکل‌های گوناگون مورد تصریح اسناد بین‌المللی قرار گرفته است: ایجاد یا حفظ نظام‌ها یا مؤسسات آموزشی جداگانه، برای مقاصد دینی یا زبانی؛^{۱۴} آموزش دینی و اخلاقی

^{۱۱} ماده ۴/۳: «کشورها باید، هرگاه امکان دارد، اقدامات مناسب انجام دهند تا اشخاص متعلق به اقلیت‌ها بتوانند فرصتهای کافی برای یادگرفتن زبان مادری خود یا آموزش دیدن به زبان مادری خود داشته باشند.»

^{۱۲} ماده ۴/۴: «کشورها باید، هرجا مناسب بود، در زمینه آموزش تدابیری به عمل آورند تا آگاهی از تاریخ، سنت‌ها، زبان و فرهنگ اقلیت‌های موجود در داخل سرزمین خود را تشویق کنند. اشخاص متعلق به اقلیت‌ها باید فرصتهای کافی برای شناخت و کسب آگاهی از جامعه به صورت یک مجموعه داشته باشند.»

^{۱۳} همچنین در ماده ۱۴ اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق مردمان بومی، مورد توجه قرار گرفته است.

^{۱۴} قسمت ب ماده ۲ کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش و پرورش

۳۴۴..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

کودکان، متناسب با اعتقادات آنان؛^{۱۵} حق اقلیت‌های ملی برای فعالیت‌های آموزشی؛^{۱۶} حق والدین در تربیت دینی و اخلاقی کودکان.^{۱۷}

- حق داشتن تعطیلات متناسب با مذهب از موارد دیگر عدالت آموزشی است که در ماده‌ی ۶ اعلامیه حذف تمام اشکال تعصب و تبعیض بر مبنای عقیده مورد اشاره قرار گرفته است.

در کنار اسناد فوق‌الذکر سند ۲۰۳۰ را می‌توان به عنوان جدیدترین سند بین‌المللی در راستای آموزش دانست که توجه خاص خود را به عدالت آموزشی معطوف ساخته است. با توجه به این مسأله، انتظار می‌رود که در این سند به‌طور جدی به مسأله‌ی عدالت آموزشی در اقلیت‌های مختلف پرداخته شده باشد ولی در این سند، چنین امر مهمی مغفول واقع شده است. هرچند در بند ۸ قسمت «دیدگاه ما» محترم شمردن نژادها و قومیت مختلف بیان شده و در چندجا، احترام به حقوق بشر به دور از هرگونه تبعیض، دیده می‌شود؛ ولی به مسأله‌ی عدالت آموزشی ویژه‌ی اقلیت‌ها مختلف هیچ اشاره‌ای نشده و هیچ‌یک از اهداف اصلی این سند به این موضوع مهم اختصاص داده نشده است.

۲- رویکرد نظام حقوقی ایران

همسو با اسناد بین‌المللی، نظام حقوقی ایران نیز در سطوح مختلف تقنینی در راستای حمایت از اقلیت‌ها و اعمال عدالت آموزشی در مورد ایشان اقدام به وضع قوانین نموده است. در قانون اساسی و سایر قوانین عادی این موضوع قابل ملاحظه می‌باشد. یکی از مبنایی‌ترین حقوقی که به طور مستقیم بر عدالت آموزشی اقلیت‌ها مؤثر می‌باشد، تساوی افراد در برخورداری از حقوق و عدم تبعیض است (حبیب‌زاده و هوشیار، ۱۳۹۳)، این حق در قانون اساسی ایران برای اقلیت‌ها به رسمیت شناخته شده است. در بسیاری از اصول قانون اساسی عنوان «هرکس»، «همه»، «هر ایرانی» و نظایر آن موضوع حکم قرار گرفته است؛ همچنین در اصول متمم قانون اساسی، در بخش حقوق ملت، تعابیری چون «اهالی مملکت ایران»، «هیچیک از ایرانیان» و «افراد مردم» به

^{۱۵} قسمت ب بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش و پرورش

^{۱۶} قسمت ج بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش و پرورش

^{۱۷} قسمت ب بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش و پرورش؛ ماده ۵ اعلامیه حذف تمام اشکال تعصب و

تبعیض بر مبنای عقیده

مقایسه‌ی نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی در ارتباط با عدالت آموزشی در اقلیت‌های ۳۴۵

کار رفته که بر معنای شهروند دلالت دارد و شامل همه‌ی ایرانیان،^{۱۸} از جمله اقلیت‌ها، می‌شود.

در مورد اقلیت‌های مذهبی وضعیت متفاوت است. نحوه انشاء اصل ۱۹ قانونی اساسی که می‌گوید: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. در این اصل کلمه مذهب به صراحت در کنار، رنگ، نژاد و زبان بیان نشده است و ممکن است این شبهه را ایجاد نماید که مذهب می‌تواند سبب امتیاز باشد و تفاوت در مذهب مانع برخورداری از حقوق مساوی گردد (واعظ مهدوی، ۱۳۹۴).

اصل چهارم قانون اساسی و اصول متعدد دیگر نیز به تصویب قوانین بر اساس موازین اسلامی و اجرای قوانین و حدود و تعزیرات اسلامی تأکید دارند. از آنجایی که در مقررات رایج فقه اسلامی تفاوت‌هایی بین مسلمان و غیر مسلمان وجود دارد که به نحوی در قوانین موضوعه ایران نیز انعکاس یافته است؛ می‌توان نتیجه گرفت که در

^{۱۸} در اصل هشتم همه مردم در برابر قانون متساوی‌الحقوق به شمار رفته‌اند و طبق اصول نهم و سیزدهم، جان، مال، مسکن و شرف همه‌ی افراد مردم مصون از هرگونه تعرض است. اصل ۱۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «... دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند...» اصل ۲۲ عنوان می‌نماید: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص مصون از تعرض است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» در اصل ۲۳ نیز آمده است: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.» طبق اصل ۲۸: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» اصل ۲۹ برخورداری از تأمین اجتماعی را حقی همگانی می‌داند و دولت را مکلف می‌نماید خدمات و حمایت‌های مربوط به تأمین اجتماعی را برای یک یک افراد کشور تأمین کند. اصل ۳۰ می‌گوید: «دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه‌ی ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد...» اصل ۳۱، داشتن مسکن متناسب با نیاز را حق هر فرد و خانواده‌ی ایرانی می‌داند. طبق اصل ۳۴: دادخواهی حق مسلم هر فرد ایرانی است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. طبق اصل ۳۲: هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند، و در اصل ۳۳ همین تعبیر در مورد تبعید و اقامت اجباری به کار رفته است. در اصل ۴۱ آمده است: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.»

۳۴۶..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

زمینه‌ی دین، پیروی از دین اسلام، سبب کسب امتیازاتی می‌گردد. این موضوع سبب می‌شود تا حمایت از اقلیت‌های دینی، نیازمند بررسی بیشتر شود.

عدالت آموزشی به عنوان یکی از اهداف جمهوری اسلامی ایران بوده که در قانون اساسی و قوانین عادی مورد توجه قرار گرفته است. اولین حمایتی که در راستای عدالتی آموزشی متصور است، این است که کسی را به واسطه‌ی اقلیت بودن، از حق آموزش محروم ننمود. این مورد در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. اصل ۳۰ می‌گوید: «دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه‌ی ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد...» همانطور که در این اصل بیان شده، وظیفه‌ی دولت در فراهم کردن وسایل آموزش و پرورش رایگان، مربوط به همه‌ی ملت است که اکثریت و اقلیت‌های مختلف را شامل می‌گردد (حبیب‌زاده و هوشیار، ۱۳۹۳).

هرچند مساوات در آموزش که در اصل فوق بیان شده، عدالت آموزشی برای اقلیت‌های مختلف را تا حدود زیادی تأمین می‌نماید ولی نمی‌تواند سبب تحقق کامل عدالت آموزشی گردد. اقلیت‌های مختلف نیازهایی فراتر از تساوی آموزشی دارند که توجه به آن‌ها موجب کامل شدن عدالت آموزشی می‌گردد. یکی از این نیازها مربوط به آموزش موارد مذهبی، آداب و رسوم و سنن خاص می‌باشد. جهت محقق شدن این مهم، می‌باید اقلیت‌های مختلف، مورد شناسایی قرار گیرند و به رسمیت شناخته شوند تا بتوانند به حقوق خاص خود برسند.

طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیروان مذاهب غیر اسلامی و اقلیت‌ها به دو دسته‌ی رسمی و غیر رسمی تقسیم می‌شوند. اصل ۱۲ قانون اساسی دین رسمی را دین اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری می‌داند. از پیروان دیگر مذاهب اسلامی چون حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی، زیدی به اقلیت تعبیر نشده و در همان اصل عنوان شده که پیروان این مذاهب از احترام کامل برخوردارند، ولی پیداست که به هر حال آن‌ها هم در برابر اکثریت شیعه مذهب، اقلیت مذهبی به حساب می‌آیند و اصل ۱۲ موجودیت و هویت آن‌ها و حفظ هویت آن‌ها را به رسمیت شناخته است. سایر ادیان الهی، در اصل ۱۳ قانون اساسی مورد توجه واقع شده‌اند (شریعتی، ۱۳۸۶، ۱۲۴). در این اصل، ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی، تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند. بنابراین، نظام جمهوری اسلامی ایران، چتر شناسایی را برای همه‌ی اقلیت‌های دینی موجود در این سرزمین باز نکرده است، بلکه با توجه به مبانی دینی نظام جمهوری اسلامی ایران که در اصول متعدد قانون اساسی متبلور است و همچنین طبق اصل ۱۳ قانون اساسی، فقط

مقایسه‌ی نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی در ارتباط با عدالت آموزشی در اقلیت‌های ۳۴۷

زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان که دارای ادیان توحیدی هستند به‌عنوان «اقلیت‌های دینی» شناسایی می‌شوند.

اکنون این پرسش مطرح می‌گردد که تکلیف ایرانیانی که دارای ادیان غیر مطروحه می‌باشند چیست؟ این موضوع در اصل ۱۴ قانون اساسی بیان شده است: «.. دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران، توطئه و اقدام نکنند.»

نکته قابل توجه در اصل چهاردهم این است که هرچند پیروان سایر ادیان، از قبیل بودایی، هندو و ... نمی‌توانند مراسم دینی خود را به‌طور رسمی و به هر نحوی اجرا کنند، مثلاً معبدی احداث کنند یا آنکه مطابق شریعت خویش پیمان ازدواج منعقد سازند، اما به‌رحال آنها به حکم دستور قرآن کریم: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛ اگراهی در قبول دین نیست (زیرا) راه درست از راه انحرافی روشن شده است» (بقره / ۲۵۶) و طبق اصل ۱۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حق زندگی در کشور ایران را دارند و تا زمانی که برضد اسلام توطئه نکنند کسی نباید مزاحم آنان بشود (مهرپور، ۱۳۸۵، ۱۷۰).

بنابر آنچه گفته شد، به غیر از این سه اقلیت دینی که به رسمیت شناخته شده‌اند، بقیه گرایش‌های دینی و اعتقادی را قانون اساسی به عنوان دین نمی‌شناسد و بنابراین ترتیبی هم برای حفظ هویت آنها پیش بینی نکرده است، پیروان این نوع گرایش‌ها و اعتقادات جزء اتباع و شهروندان دولت ایران محسوب شده و تابع احکام و قوانین عمومی حکومت می‌باشند. دولت تعهدی بر شناسایی و اجرای قواعد و مقررات مذهبی آنها ندارد و حتی آزادی انجام مراسم مذهبی آنها را به صورت جمعی و علنی تضمین نکرده است، هر چند بطور معمول مخالفتی با آن ندارد و به دیده اغماض می‌نگرد.

دقت در موارد بالا نشان می‌دهد که تعلیمات مذهبی جهت مذاهب اسلامی شناخته شده و پیروان سایر ادیان الهی مشخص شده در قانون اساسی، آزاد شناخته شده است. البته قانون در مورد سایر ادیان مشخص نشده، این آزادی را به رسمیت شناخته است. از طرف دیگر تنها به آزادی این ادیان و مذاهب در تعلیمات دینی خود اشاره کرده و در این خصوص وظیفه‌ای را متوجه دولت ننموده است. همچنین در مورد آداب و سنن

۳۴۸..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

غیر مذهبی و دینی، حرفی به میان نیامده است. این مطلب را می‌تواند عدالت آموزشی را مخدوش نماید.

مورد دیگری که باید فراتر از تساوی آموزشی مورد توجه قرار گیرد، آموزش به زبان مادری است. مشکل زبانی یکی دیگر از مشکلات اقلیت‌های قومیتی محسوب می‌شود. از یک سو نباید به خاطر در اقلیت بودن جریانی موازی و فرعی در روند آموزش جریان یابد؛ از سوی دیگر نباید اقلیت‌های قومی به خاطر مشکلات ارتباط زبانی با دیگران تضعیف شوند. این موضوع یکی از ظریف‌ترین مواردی است که در روند آموزش باید مورد توجه قرار گیرد و استادان و مدرسان هرگز نباید اجازه ایجاد شرایطی نامساعد از این لحاظ را برای اقلیت‌های قومی بدهند (صمدی، ۱۳۹۱).

اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کاملاً شفاف و صریح در این خصوص مقرر می‌دارد: «...استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است». همچنین در ارتباط با قومیت‌ها، حق تدریس زبان‌های آشوری و ارمنی را در مدارس نیز به این اقلیت‌ها داده است و اقلیت‌های آشوری و ارمنی علاوه بر آموزه‌های دینی خود زبان خود را نیز در مدارس خود می‌خوانند و می‌آموزند.

علاوه بر قانون اساسی، سایر قوانین نیز به حمایت از اقلیت‌ها پرداخته‌اند. استفاده از تعطیلات اعیاد مذهبی و مناسبت‌های ویژه برای اقلیت‌های دینی در کمیسیون معین شورای عالی آموزش و پرورش در جلسه‌ی شماره ۲۹۸ در تاریخ ۱۳۸۲/۷/۱۶ مورد بررسی قرار گرفت و تصویب شد؛ همچنین با تعطیلی کلیمیان در روزهای شنبه موافقت شد.

تدریس دروس دینی نیز در قوانین عادی مورد توجه قرار گرفته است. بعد از تقاضای نمایندگان ارامنه مبنی بر تدریس تعلیمات دینی کلیسای ارامنه (به زبان ارمنی)، شورای عالی انقلاب فرهنگی موافقت کرد که: «هموطنان ارمنی در مدارس خاص خود بتوانند دروس دینی خود را به زبان ارمنی، تدریس کنند، بدون آنکه نمره‌ای برای این دروس در کارنامه دانش‌آموزان منظور گردد.» همچنین در بند ۶ سرفصل دروس معارف اسلامی، مصوبه جلسه ۵۴۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی، بیان شده: «دانشجویان اقلیت‌های دینی می‌توانند دروس مورد نظر خود را بدون هیچ محدودیتی از بین کلیه دروس مندرج در جدول دروس عمومی معارف اسلامی انتخاب کرده و بگذرانند.»

مقایسه‌ی نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی در ارتباط با عدالت آموزشی در اقلیت‌های ۳۴۹

حق تأسیس مدارس غیر انتفاعی، در تبصره ۳ ماده ۳ قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی بیان شده است: «مؤسسان مدارس اقلیت‌های دینی شناخته شده موضوع این قانون توسط مراجع رسمی مذهبی آنان، که تابع و مقیم کشور هستند، یا نمایندگان مورد تأیید ایشان باشند، به وزارت آموزش و پرورش معرفی می‌شوند.»؛ همچنین حق تأسیس آموزشگاه در ماده ۱۰ آیین‌نامه شیوه تشکیل و اداره آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای، برای اقلیت‌های مطرح در قانون اساسی، به رسمیت شناخته شده است. در ارتباط با تأسیس مراکز فرهنگی نیز ماده ۳ ضوابط و مقررات تأسیس مراکز و مؤسسات و کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی، حق تأسیس این مراکز برای اقلیت‌های دینی را به رسمیت شناخته است.

توجه به قوانین نشان می‌دهد که جنبه‌های مختلف عدالت آموزشی مورد تأکید قرار گرفته است؛ ولی این قوانین نیز با اشکالی که در قانون اساسی وجود دارد، مواجه هستند. بدین معنی که این قوانینی نیز تمام حمایت خود را تنها برای اقلیت‌های دینی مطرح در قانون اساسی قرار داده‌اند (واعظ مهدوی، ۱۳۹۴). این نکته در مورد دانشگاه مشکل بیشتری ایجاد می‌نماید؛ چراکه در آیین‌نامه گزینش اخلاقی داوطلبان ورود به دانشگاه، یکی از شرایط ورود به دانشگاه را تدین به دین اسلام و یا یکی از ادیان آسمانی می‌داند.

مهمترین سند در آموزش و پرورش کشور ایران، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بوده که در سال ۱۳۹۰ به تصویب نهایی شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. مطابق با این سند، مصوبات و سیاست‌های قبلی که مغایر با این سند باشند، منسوخ و یا مورد بازنگری و اصلاح قرار می‌گیرند؛ همچنین مصوبات بعدی باید با این سند هماهنگ باشند. بنابراین، سند تحول بنیادین، جایگاه ویژه‌ای در میان سایر اسناد مربوط به آموزش و پرورش دارد.

عدالت آموزشی، جایگاه خاصی در این سند دارد. در فصل دوم سند که به بیان ارزش‌ها پرداخته، از میان ۳۰ گزاره، دو تا را به عدالت آموزشی اختصاص داده است؛ همچنین عدالت یکی از ابعاد شناخته شده در حیات طیبه است که در بخش سوم سند به آن اشاره شده است؛ از طرفی «گسترش و تأمین همه‌جانبه‌ی عدالت آموزشی و تربیتی» یکی از هدف‌های کلانی است که در فصل پنجم سند به آن اشاره شده است. علاوه بر موارد یادشده، عدالت آموزشی در فصل ششم به عنوان یکی از راهبردهای

۳۵۰..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

کلان مورد توجه قرار گرفته و در فصل هفتم، این موضوع از جمله «هدفهای عملیاتی و راهبردهای مناسب آن» نیز برشمرده شده است.

با توجه به این دو ویژگی (مهمترین سند در آموزش و پرورش و توجه به عدالت آموزشی) انتظار می‌رفت تا این سند به بحث عدالت آموزشی در اقلیت‌های مختلف بپردازد چرا که یکی از مهمترین جنبه‌های عدالت آموزشی، اقلیت‌ها می‌باشند. ولی این سند توجه خاصی به عدالت آموزشی در اقلیت‌ها ننموده است. به نظر می‌رسد که این سند عدالت آموزشی را تنها در زمینه‌ی عدالت اقتصادی و عدالت جنسیتی مورد توجه قرار داده و اقلیت‌ها مورد غفلت واقع شده‌اند.

د: تطبیق وضعیت عدالت آموزشی اقلیت‌ها در اسناد حقوقی داخلی و بین‌المللی

کشور ایران به برخی از اسناد بین‌المللی مرتبط با اقلیت‌ها پیوسته است و در راستای هماهنگی با این اسناد قواعدی را وضع نموده است. این مهم باعث شده تا نظام حقوقی ایران در بحث عدالت آموزشی اقلیت‌ها هماهنگی نسبی با اسناد بین‌المللی داشته باشد (فاطمی، ۱۳۸۳، ۶۰). به عنوان نمونه، از مهم‌ترین اسنادی که به طور خاص به بحث آموزش و عدالت آموزشی پرداخته است، کنوانسیون رفع تبعیض در امر تعلیمات (یونسکو) مصوب سال ۱۳۴۶ می‌باشد. پیوستن به این کنوانسیون مستقیماً موجبات تقویت عدالت آموزشی در اقلیت‌ها را فراهم کرد.

با این وجود اختلافاتی نیز بین نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی وجود دارد. به نظر می‌رسد ایراد موجود در اسناد بین‌المللی دایر بر اعطای اختیار به دولت‌ها برای پیش‌بینی شرایط خاص جهت بهره‌مندی اقلیت‌ها از حقوق قانونی به نحو یکسان با سایر شهروندان نقص نظام داخلی ایران در این خصوص را قابل توجیه کرده است. توضیح این که هر جامعه‌ای، نظام سیاسی، حقوقی و اجتماعی خاصی دارد. شالوده این نظام، تعلقات تاریخی، فرهنگی و مذهبی همان جامعه است که در چارچوب قوانین داخلی خود، ادامه حیات می‌دهد. بر این اساس مقاومت در برابر ظهور و بروز فرهنگ‌های بیگانه، در هر جامعه‌ای تا حدودی طبیعی به نظر می‌رسد. لذا چنان چه آداب و سنی برخلاف نظم حقوقی، عمومی و اخلاق حاکم بر جامعه به شمار آید، می‌تواند حقوق اقلیت‌ها را با محدودیت‌هایی مواجه سازد. ممکن است برخی از محدودیت‌ها در بهره‌مندی اقلیت‌ها از حقوق خود با موازین بین‌المللی، سازگاری نداشته باشد که با توجه به مندرجات اعلامیه‌ی ۱۹۹۲ حقوق اشخاص متعلق به اقلیت-

مقایسه‌ی نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی در ارتباط با عدالت آموزشی در اقلیت‌های ۳۵۱

های ملی، قومی، مذهبی و زبانی^{۱۹} توجیه‌شدنی است؛ زیرا این اعلامیه شرط بهره‌مندی از حقوق خاص برای اقلیت‌ها را مغایر نبودن با حقوق ملی هرکشور، بیان می‌کند (ابراهیمیان، ۱۳۹۱).

بررسی رعایت حقوق مدنی اقلیت‌ها در قانون اساسی ایران محدود به اقلیت‌های دینی است؛ زیرا اقلیت‌های قومی و زبانی ایران، به دلیل اشتراک در دین واحد، از قواعد و اصول یکسانی تبعیت می‌کنند (آریامنش، ۱۳۹۰). در این مورد تنها مسأله‌ی زبان مطرح می‌گردد که در نظام حقوقی ایران، همگام با اسناد بین‌المللی، به درستی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به شیوه‌ی نگارش اصل ۱۵ قانون اساسی، نظر به اینکه زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی اعلام شده است؛ اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید به فارسی باشد. این امر مانع از آموزش و تدریس زبانهای دیگر نیست؛ زیرا به موجب بند اخیر اصل فوق، استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در کنار زبان فارسی، در مدارس آزاد شناخته شده است. اصل فوق به لحاظ شکلی با مفاد ۳ ماده‌ی ۴ حقوق اقلیتها مطابقت دارد (آریامنش، ۱۳۹۰). به موجب بند فوق، دولت‌های عضو موظف شده‌اند تا حد ممکن ترتیباتی را اتخاذ نمایند تا اقلیت‌های زبانی، امکان آموزش زبان مادری یا بهره‌مندی از آموزش به زبان مادری را داشته باشند.

در ارتباط با اقلیت‌های دینی، وضع فرق می‌کند و تفاوت‌های بین نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی به چشم می‌خورد. این تفاوت‌ها ناشی از اختلافاتی است که دیدگاه تئوریک جمهوری اسلامی با دیدگاه تئوریک جهانی دارد. با توجه به اینکه ویژگی بنیادی جمهوری اسلامی ایران، مکتبی و اسلامی بودن آن است؛ در تفاسیر مختلف از مواد قانون اساسی و مقدمه آن، دیدگاه رسمی ارکان مختلف نظام حکومت اسلامی،

^{۱۹} بند ۴، ماده ۱۸ اعلامیه ۱۹۹۲: «هیچ‌یک از مفاد اعلامیه حاضر نباید به گونه‌ای تفسیرشود که هرگونه فعالیت مغایر با اهداف و اصول ملل متحد، از جمله تساوی حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌ها، مجاز گردد»؛ بند ۲ ماده ۴ این اعلامیه آمده است: «دولت‌ها باید با اتخاذ اقدامات خاص، شرایط مناسبی را ایجاد نمایند تا اشخاص متعلق به اقلیت‌ها قادر به بیان خصایص خود و توسعه فرهنگ، زبان، مذهب، سنت‌ها و رسوم خود باشند، مگر در مواردی که انجام برخی سنت‌ها مغایر حقوق ملی و یا معیارهای بین‌المللی باشد.»

۳۵۲..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

ضمن اشاره‌ی صریح بر مکتبی بودن نظام، به بازگشت و رجعت به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی تأکید می‌گردد.

یکی از مباحثی که در حوزه‌ی فقهی و به طبع آن حوزه حقوقی، بسیار بحث‌انگیز می‌باشد، تبلیغ و اشاعه‌ی اعتقادی اقلیتهای دینی - مذهبی است. این مسأله از دیدگاه فقه اسلامی شامل هیچ‌گونه تسامحی نمی‌باشد، عدم تسامح در بحث تبشیر به صورت بسیار بارز در فقه اسلامی - شیعی مطرح است که موجب تفاوت‌های اساسی با دیدگاه‌های غیراسلامی و گاه بین‌المللی، می‌گردد. همین تفاوت اساسی در دیدگاه، گاه به عنوان تبعیض از سوی سایر دیدگاه‌ها شناخته می‌شود.

اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صورت بسیار صریح، بر اسلامی بودن قوانین تأکید می‌نماید. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده‌ی فقهای شورای نگهبان است. همچنین اصل ۷۲ قانون اساسی با تأکید بر اصول و احکام مذهب رسمی کشور مندرج در قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی را از وضع هرگونه قوانینی که مغایر با اصول فوق باشد صراحتاً و مؤکداً منع می‌نماید (زارعی و زینی‌وند، ۱۳۹۲). البته این موضوع در مورد سایر مذاهب اسلامی و ادیان توحیدی مطرح در قانون اساسی، مشکلی ایجاد نمی‌نماید و در این موارد نظام حقوقی ایران در هماهنگی کامل با اسناد بین‌المللی می‌باشد. تنها وجه افتراق به ادیان غیر الهی باز می‌گردد.

هرچند در اصل ۱۴ قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی و مسلمانان را موظف به عمل به اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی در مورد افراد غیرمسلمان نموده است ولی عدم تفسیر این موضوع سبب شده تا برخی از حقوق آموزشی اقلیت‌های دینی شناخته نشده در قانون اساسی، مورد بی‌توجهی قرار گیرد. عدم تعطیلی در مراسمات و اعیاد خاص، عدم امکان تأسیس مدرسه و آموزشگاه و ...، عدم امکان تعلیم و تربیت بر اساس فرهنگ دینی، عدم امکان حضور در آموزش عالی از جمله مواردی هستند که عدالت آموزشی را خدشه‌دار کرده و در تقابل با اسناد بین‌المللی می‌باشند.

نتیجه‌گیری

از پژوهش انجام شده نتایج ذیل حاصل شد:

- در خصوص عدالت آموزشی معنایی واحد و مورد اتفاق وجود ندارد، ولی بر این موضوع اتفاق نظر است که هر شخصی با ورود به سن فراگیری، بدون توجه به

مقایسه‌ی نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی در ارتباط با عدالت آموزشی در اقلیت‌های ۳۵۳

جنسیت، وضعیت اقتصادی، مکان زندگی، قومیت، دین، نژاد و ... در راستای به فعلیت رسیدن استعداد‌های خود تحت آموزش و پرورش قرار گیرد.

- عمده‌ترین اقلیت‌های مورد توجه در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی، اقلیت‌های قومی و مذهبی می‌باشند. هم اسناد بین‌المللی و هم حقوق داخلی بر لزوم اعمال عدالت آموزشی در خصوص اقلیت‌های موصوف اتفاق نظر دارند.

- اعمال مطلوب عدالت آموزشی در خصوص اقلیت‌ها، در گرو توجه کامل به حقوق عام و حقوق خاص اقلیت‌ها در بحث تقنین و سپس اجرای قوانین به نحو صحیح می‌باشد.

- در خصوص اعمال عدالت آموزشی نسبت به اقلیت‌های قومی اختلافی بین اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی ایران وجود ندارد.

- در خصوص اقلیت‌های دینی حقوق داخلی ایران به رغم اسناد بین‌المللی موجود اعمال عدالت آموزشی نسبت به تمامی مذاهب را مورد پذیرش قرار نداده است. پیروان مذاهب غیر شیعه (غیر از فرقه‌ی بهائیت) و همچنین پیروان دین زرتشتی، کلیمی و مسیحی، تنها اقلیت‌های دینی شناخته شده در نظام حقوقی ایران می‌باشند. سایر اشخاص فاقد اوصاف مذکور از منظر حقوق داخلی ایران اقلیت محسوب نمی‌شوند و در نتیجه از برخی حقوق آموزشی خود مانند حق ورود به دانشگاه، حق تعطیلی در مناسبت‌ها، حق آموزش مسائل دینی، حق تأسیس آموزشگاه و مراکز فرهنگی و...، حق والدین در تربیت دینی و اخلاقی فرزندان، محروم هستند.

- برخی از اسناد بین‌المللی مثل بند ۴ ماده ۸ و بند ۲ ماده ۴ اعلامیه ۱۹۹۲ حق دولت‌ها در محدودسازی اقلیت‌ها را مورد توجه قرار داده است. این اسناد به نوعی دست‌آویز دولت‌ها در عدم اعمال عدالت آموزشی نسبت به اقلیت‌ها و توجیه‌کننده‌ی قوانین مغایر با عدالت آموزشی می‌باشند.

با توجه به داشته‌های پژوهش فوق در زمینه‌ی اسناد بین‌المللی پیشنهاد می‌گردد در خصوص اقلیت‌های مذهبی نیز مانند سایر اقلیت‌ها اختیار وضع قواعد محدودکننده از دولت‌ها سلب گردد. در زمینه‌ی حقوق داخلی پیشنهاد می‌گردد قوانین به نحو صریح حقوق مرتبط با عدالت آموزشی را در خصوص تمامی اقلیت‌های دینی مورد قبول قرار دهند و عندالزوم از تجویز ضمنی اسناد بین‌المللی در حقوقی غیر از آنچه به بحث عدالت آموزشی بر می‌گردد، استفاده شود.

۳۵۴..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

– منابع و مأخذ

کتب:

۱. احمدی، حمید، (۱۳۷۸). قومیت و قوم‌گرایی در ایران: از افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی.
۲. ارسطو، (۱۳۶۸). اخلاق نیکو ماخوس، ترجمه رضا مشایخی، تهران: انتشارات کتابفروشی دهخدا.
۳. اسمیت، فیلیپ جی، (۱۳۷۷). فلسفه‌ی آموزش و پرورش، چاپ دوم، ترجمه‌ی سعید بهشتی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۴. اشتراوس، لئو، (۱۳۷۳). حقوق طبیعی و تاریخ، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر آگاه.
۵. افلاطون، (۱۳۸۱). جمهوری، ترجمه فؤاد روحانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. بلخی، جلال‌الدین محمد، (۱۳۷۴). مثنوی معنوی، چاپ ۲، رینولد نیکلسون، تهران: نشر نغمه.
۷. تقی‌پورظهیر، علی، (۱۳۷۶). مبانی و اصول آموزش و پرورش، چاپ یکم، تهران: انتشارات آگاه.
۸. توکلی، احمد، (۱۳۹۴). مدارس را نفروسیم، اولین کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی (دانشگاه شریف)، تهران: ترمه.
۹. توما، ژان، (۱۳۷۰). درون جهان سوم، ترجمه محمد نظری، تهران: انتشارات فاطمی.
۱۰. جارویس، پیتر، (۱۳۸۵). آموزش بزرگسالان و آموزش مداوم، چاپ پنجم، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران: سمت.
۱۱. خسروی حسینی، ترجمه و تحقیق مفردات راغب اصفهانی، چاپ چهارم، جلد ۲، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، ۱۳۸۳.
۱۲. درخشانی، فائزه، (۱۳۹۴). کتابخوانی، نیاز کودکان دوزبانه، اولین کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی (دانشگاه شریف)، تهران: ترمه.
۱۳. درویش‌گفتار، احمد، (۱۳۸۶). حقوق اقلیت‌ها در قرآن، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۱۴. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۲). لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران. دهخدا، جلد ۷.
۱۵. راغب الاصفهانی، (۱۳۹۲.ه.ق). معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم‌المرعشی، دارالکتاب العربی، قم: چاپ و نشر در ایران توسط مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۶. زیبایی، حسن، (۱۳۹۴). عدالت آموزشی در بودجه ۹۴ و برنامه ششم توسعه، اولین کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی (دانشگاه شریف)، تهران: ترمه.

مقایسه‌ی نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی در ارتباط با عدالت آموزشی در اقلیت‌های ۳۵۵

۱۷. سیدجوادین، سید رضا، (۱۳۸۱). مبانی و کاربردهای مدیریت منابع انسانی و امور کارکنان، چاپ اول، تهران، نگاه دانش.
۱۸. سیف، علی اکبر، (۱۳۸۷). روانشناسی پرورشی، تهران: انتشارات سمت.
۱۹. شارع‌پور، محمد، (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. شریعتی، روح‌الله، (۱۳۸۶). اقلیت‌های دینی، تهران: کانون اندیشه جوان.
۲۱. شکوهی، غلام‌حسین، (۱۳۷۳). مبانی و اصول آموزش و پرورش، چاپ ششم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۲. شکوهی، غلام‌حسین، (۱۳۶۸). مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد: به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
۲۳. صدر، محمدباقر، (۱۴۱۷ هـ.ق). اقتصادنا، بیروت: دارالتعاریف للمطبوعات.
۲۴. صلیبا، جمیل، (۱۳۶۶). فرهنگ فلسفی، ترجمه دکتر منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران: نشر حکمت.
۲۵. عزیزی، ستار، (۱۳۸۵). حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، همدان: نور علم.
۲۶. علاقه‌بند، علی، (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر روان.
۲۷. عمید، حسن، (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات راه رشد.
۲۸. فاضل میبیدی، محمدتقی (۱۳۷۵). دین چیست؟، قم: نشر خرم.
۲۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۲ هـ.ق). قاموس المحيط، جلد ۴، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۳۰. فومنی گلشن، محمد رسول، (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، چاپ دوم، ویرایش سوم، تهران: نشر دوران.
۳۱. قاری سید فاطمی، محمد، (۱۳۸۹). حقوق بشر در جهان معاصر، جلد ۲، جستارهای تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، چاپ دوم، ویرایش اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۳۲. قریشی، سید علی اکبر، (۱۳۸۴). قاموس قرآن، جلد ۳ و ۴، چاپ ۱۴، تهران: دارالکتب-الاسلامیه.
۳۳. کاپلستون، فردریک، (۱۳۶۳). تاریخ فلسفه، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبوی، جلد ۱، تهران: انتشارات سروش.
۳۴. گاتری، تی. سی دبلیو، (۱۳۶۳). تاریخ فلسفه، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبوی، جلد ۱، تهران: انتشارات سروش.
۳۵. گروه مشاوران یونسکو، (۱۳۸۲). فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی، ترجمه فریده مشایخ، تهران: مدرسه.

۳۵۶..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، بهار ۱۳۹۸

۳۶. مشکور، محمدجواد، (۱۳۷۲). خلاصه ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ، تهران: شرق.
۳۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۲). آشنایی با علوم اسلامی، دوره کامل، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.

۳۸. معین، محمد، (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی معین، جلد ۲، تهران: مؤسسه امیرکبیر.
۳۹. مولفان حوزه و دانشگاه، (۱۳۷۹ و ۱۳۸۰). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (جلد ۴)، تهران: انتشارات سمت و پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

۴۰. مهرپور، حسین، (۱۳۸۵). کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای آن، تهران: ارائه شده در مجموعه همایش های امام خمینی و قلمرو دین و کرامت انسانی، نشر عروج.

۴۱. نقیب‌زاده، میرعبدالحسین، (۱۳۷۴). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، انتشارات طهوری.

۴۲. واعظ مهدوی، محمدرضا، (۱۳۹۴). قانون اساسی و عدالت آموزشی، اولین کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی (دانشگاه شریف)، تهران: ترمه.

۴۳. هاروی، دیوید، (۱۳۷۶). عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی زاده، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران.

۴۴. هاشم‌خانی، میثم و وکیل، زهرا، (۱۳۹۴). ۱۱۴ روایت از توسعه و عدالت آموزشی کودکان، چاپ دوم، تهران: ترمه.

۴۵. هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۲). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، جلد اول، تهران: نشر میزان.

۴۶. هاشمی، نادیا، (۱۳۸۶). آموزش، سرمایه انسانهاست، چاپ اول، اصفهان: کنکاش.
مقالات:

۴۷. ابراهیمی، قوام، (۱۳۸۹). «ارزشیابی عملکرد درجه‌داران رتبه انتظامی با توجه به اهداف دروس آموزش دیده»، فصلنامه مدیریت بر آموزش انتظامی، مشهد، سال سوم، شماره ۱: صص ۷۹-۵۶.

۴۸. حبیب‌زاده، محمدجعفر، هوشیار، مهدی، (پاییز و زمستان ۱۳۹۳). «موقعیت اقلیت‌های دینی در حقوق کیفری ایران در پرتو اصل برابری در مقابل قانون»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال پنجم، شماره دوم: صص ۸۷-۶۱.

۴۹. راولز، جان، (بهار و تابستان ۱۳۷۶). «عدالت و انصاف و تصمیم‌گیری عقلانی»، ترجمه مصطفی ملکیان، نقد و نظر، سال اول، شماره‌های دوم و سوم.

مقایسه‌ی نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی در ارتباط با عدالت آموزشی در اقلیت‌های ۳۵۷

۵۰. رضوی، سیدعباس، (۱۳۸۹). «کاربرد الگوهای نوین در طراحی آموزشی مهارتهای پیچیده: با نگاهی بر آموزش انتظامی»، فصلنامه مدیریت بر آموزش انتظامی، سال سوم، شماره ۳: صص ۴۶-۶۵.

۵۱. زارعی، بهادر، زینی‌وند، علی و محمدی، کیمیا، (بهار ۱۳۹۲). «حقوق اقلیت‌ها از منظر اسناد بین‌المللی، اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره اول: صص ۴۹-۷۰.

۵۲. صمدی، ساره، گل محمدی، علی اکبر و خسروی، عرفان، (۱۳۹۱). «تبیین عدالت آموزشی در فراگیران نیروهای پلیس»، فصلنامه توسعه مدیریت و منابع انسانی، سال ۷، شماره ۲۵: صص ۷۹-۹۰.

۵۳. طالب، مهدی و گودرزی، محسن، (۱۳۸۲). «قومیت، نابرابری آموزشی و تحولات جمعیتی»، علوم اجتماعی، شماره ۲۱: صص ۱۱۳-۱۴۲.

۵۴. CacicKumpes, Jadrankaz (۱۹۹۱). Education and ethnic minorities, MigracijskeTeme, Vol. ۷, No. ۳-۴.

۵۵. Goulbourne Harry, ed. (۲۰۰۱). Race and Ethnicity: Critical Concepts in Sociology, London: Routledge.

۵۶. Guibernau, Montserrat and Rex, John (۱۹۹۹). The Ethnicity: Nationalism, Multiculturalism and Migration, London: Polity Press.

۵۷. Hutchinson John and Smith, Anthony D., eds. (۱۹۹۶). Ethnicity, London: Oxford University Press.

۵۸. Maslow, A. ۱۹۵۴/۱۹۸۷. Motivation and personality. (۳rd rev. ed.). New York: Harper & Row.

۵۹. Song, Sarah. (۲۰۰۷) Justice, Gender, and the Politics of Multiculturalism, Cambridge University Press.

۶۰. UNICEF (۱۹۹۰). Strategies to Promote (united Nation and children Fund).